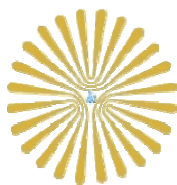


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور
دانشکده الهیات
واحد تهران مرکزی

پایان نامه
برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد
رشته الهیات
گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان :

بررسی فقهی - حقوقی ایتم در مذاهب خمسه

محمدعلی قربانی

استاد راهنما :

آقای دکتر محمدصادق جمشیدی راد

استاد مشاور :

آقای دکتر حسین داورزنی

خرداد ۱۳۹۱

تقدیم بہ:

تمامی آنانی کہ آموختن را بہ من

آموختند.

سپاسگزاری

با یاری دانای بی‌همتا و به این امید به تدوین این پایان‌نامه پرداختم تا در راه احقاق حق، وسیله‌ای و در کمک به ایتمام خدمتی باشد. پس، اگر ناچیز است، در پیشگاه آن رحمت بی‌منتها باید، اجری، نه اندک، داشته باشد.

تشکر و قدردانی خالصانه خود را تقدیم به پدر و مادرم می‌نمایم که طی این مراحل و مدارج تحصیلی را به حق مدیون آنها می‌باشم. و همچنین از کلیه معلمین و اساتید معزز و بزرگوار خود بویژه آقای دکتر محمدصادق جمشیدی راد که در مقام استاد محترم راهنمای بنده تلاش و زحمات وافر را در حق حقیر تقبل نمودند، کمال تشکر و تقدیر داشته باشم و باز از استاد بزرگوار خود جناب آقای دکتر حسین داورزنی، استاد محترم مشاور که به کرات مصدع اوقات شریفشان شده و از نظرات ایشان بهره مند شده ام، نهایت سپاسگزاری و تقدیر را دارم.

و در خاتمه لازم است که از تمامی دوستان و بستگان و بالاخص ... که در تمام مراحل علمی و تحصیلی بنده، یار و غمخوار و مشوق بنده بودند، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم. امید است که خداوند متعال خود جزای خیرشان نصیب فرماید.

(وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ)

چکیده

یتیم از نظر لغوی یعنی یکتا و بی همتا و در اصطلاح فقها، یتیم به کودک کی اطلاق می شود که پیش از بلوغ پدرش را از دست داده باشد. اسلام، مسئله ایتام را به عنوان يك مسئله اساسی مطرح کرده و حقوقی اعم از حقوق اقتصادی (غنائم و خمس و انفال (فئ)، انفاق و صدقه، اطعام، ارث)، حقوق عاطفی (عدم طرد یتیم و تخریب روحی و عاطفی، احسان به ایتام، احترام به ایتام، جلوگیری از گریه یتیم) و حقوق اجتماعی برای آنها در نظر گرفته است.

حمایت از ایتام نتایج زیر را به دنبال خواهد داشت: لطافت و نرمی قلب، رفتن به بهشت، محبوب ترین خانه ها، آمرزش گناهان، تکمیل ایمان، آینده سازی برای ایتام سرپرست، نیکی و روشنی در قیامت.

مصلحت کودکان اقتضا می کند که اشخاص از طریق نهادهایی موظف به اداره امور و اعمال حقوقی آنان باشند. از جمله این نهادها در فقه اسلامی می توان ولایت، حضانت و التقاط را نام برد. ولایت عبارت است از اختیار و اقتداری که شرع و قانون به جهتی از جهات برای اداره امور غیر به شخص می دهد، به کسی که واجد این صلاحیت است ولی گفته می شود. حضانت به فتح حا، سرپرستی بر طفل و دیوانه و انجام آنچه که به مصلحت وی است از قبیل نگهداری و گذاردن در رختخواب و برداشتن و شستن لباس او و مانند آن می باشد. برداشتن و حفاظت از طفلی که جاننش در معرض خطر باشد، بر هر مسلمانی، واجب است؛ به این اقدام در فقه اسلامی التقاط و به طفلی که بی سرپرست مانده لقیط و به کسی که او را نگهداری می کند ملتقط می گویند.

در حقوق ایران نیز برای حمایت از اطفال بی سرپرست، در سال ۱۳۵۳ شمسی قانونی به نام "قانون حمایت از اطفال بدون سرپرست" به تصویب رسید که در آن حقوق و تکالیف متقابلی برای اطفال بی سرپرست و سرپرست‌ها پیش‌بینی شده است. با عنایت به ماده ۱ این قانون، به زوجین اختیار داده شده است تا در صورت تمایل یا توافق یکدیگر کودکی را به فرزندپذیری قبول کنند.

واژگان کلیدی: یتیم، ایتام، لقیط، قیمومیت، ولایت، حضانت، فرزندخواندگی.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: کلیات و مفاهیم	۱۰
۱-۱- تعریف مسأله و تبیین موضوع	۱۱
۲-۱- ضرورت و هدف تحقیق	۱۲
۳-۱- سوال‌های اساسی تحقیق	۱۲
۴-۱- فرضیه‌های تحقیق	۱۳
۵-۱- روش تحقیق	۱۴
۶-۱- پیشینه تحقیق	۱۴
۷-۱- مفاهیم	۱۵
۱-۷-۱- مفهوم یتیم	۱۵
۱-۷-۱-۱- مفهوم لغوی یتیم	۱۵
۱-۷-۱-۲- مفهوم اصطلاحی یتیم	۱۶
۲-۷-۱- مفهوم لقیط	۱۷
۱-۲-۷-۱- مفهوم لغوی لقیط	۱۷
۲-۲-۷-۱- مفهوم اصطلاحی لقیط	۱۸
۸-۱- جایگاه یتیم در اسلام	۱۹
۸-۱-۱- یتیم در قرآن	۱۹
۸-۱-۲- یتیم در روایات	۲۴
۹-۱- یتیم در حقوق ایران	۲۶
فصل دوم: حقوق ایتم و نتایج حمایت از آنها	۲۹
۱-۲- حقوق اقتصادی ایتم	۳۰
۱-۲-۱- خمس و غنائم و انفال	۳۰

- ۳۴ ۲-۱-۲- انفاق و صدقه
- ۳۶ ۲-۱-۳- اطعام
- ۳۸ ۲-۱-۴- ارث
- ۴۰ ۲-۱-۵- نگهداری اموال ایتام
- ۴۰ ۲-۱-۵-۱- حفظ حریم اموال یتیم
- ۴۲ ۲-۱-۵-۲- برگرداندن اموال یتیم به خودشان هنگام رشد
- ۴۳ ۲-۱-۵-۳- عدم تعویض و تبدیل
- ۴۴ ۲-۱-۵-۴- عدم اکل مال ایتام
- ۴۷ ۲-۲- حقوق عاطفی ایتام
- ۴۹ ۲-۲-۱- عدم طرد یتیم و تخریب روحی و عاطفی
- ۵۰ ۲-۲-۲- احسان به ایتام
- ۵۲ ۲-۲-۳- احترام به ایتام
- ۵۳ ۲-۲-۴- جلوگیری از گریه یتیم
- ۵۴ ۲-۳- حقوق اجتماعی ایتام
- ۶۰ ۲-۴- نقش حکومت در ایفای حقوق ایتام
- ۶۴ ۲-۵- نتایج حمایت از ایتام
- ۶۴ ۲-۵-۱- لطافت قلب
- ۶۵ ۲-۵-۲- رفتن به بهشت
- ۶۶ ۲-۵-۳- محبوب ترین خانه ها
- ۶۷ ۲-۵-۴- آمرزش گناهان
- ۶۹ ۲-۵-۵- تکمیل ایمان
- ۶۹ ۲-۵-۶- آینده سازی برای یتیمان سرپرست
- ۷۰ ۲-۵-۷- نیکی و روشنی در قیامت

۷۲	فصل سوم : ماهیت، شرایط و آثار قیمومیت
۷۳	۱-۳- ماهیت نهاد قیمومیت
۷۳	۱-۱-۳- قیمومیت در فقه
۷۴	۱-۱-۱-۳- ولایت
۷۶	۲-۱-۱-۳- حضانت
۷۹	۳-۱-۱-۳- التقاط
۸۱	۲-۱-۳- قیمومیت در حقوق ایران
۸۳	۲-۳- شرایط قیمومیت
۸۳	۱-۲-۳- شرایط قیمومیت در فقه
۸۶	۲-۲-۳- شرایط قیمومیت در حقوق ایران
۸۶	۱-۲-۲-۳- شرایط مربوط به قیم (سرپرست)
۹۴	۲-۲-۲-۳- شرایط مربوط به کودک تحت سرپرستی
۹۵	۳-۳- آثار حکم قیمومیت
۹۵	۱-۳-۳- آثار قیمومیت در فقه
۹۶	۲-۳-۳- آثار قیمومیت در حقوق ایران
۹۷	۱-۲-۳-۳- حقوق قیم (سرپرست)
۹۹	۲-۲-۳-۳- تکالیف سرپرست
۱۰۳	۳-۲-۳-۳- حقوق کودک
۱۰۷	۴-۲-۳-۳- تکالیف کودک
۱۰۸	۴-۳- خاتمه رابطه قیمومیت
۱۰۸	۱-۴-۳- خاتمه قیمومیت در فقه
۱۰۹	۱-۱-۴-۳- فوت قیم
۱۱۱	۲-۱-۴-۳- حجر قیم

۱۱۲.....	۳-۴-۱-۳- ارتداد
۱۱۴.....	۳-۴-۲- خاتمه قیمومیت در حقوق ایران
۱۱۴.....	۳-۴-۲-۱- انفساخ حکم سرپرستی
۱۱۶.....	۳-۴-۲-۲- فسخ حکم سرپرستی
۱۱۹.....	نتیجه گیری
۱۲۵.....	منابع و مأخذ
۱۳۲.....	چکیده انگلیسی

مقدمه

کودک نخستین خشت بنای جامعه انسانی است که سلامت و استحکام بنا، در گرو سلامت و استواری پایه‌ها و زیر بنای او می‌باشد، و عنایت به تربیت و پرورش کودک و صیانت او از انحرافها و کژیها و حفظ حقوق و شئون او، به گونه‌ای عنایت به خود جامعه است. از این جهت در جوامع مترقی خصوصاً در آئین اسلام از طریق قرآن و احادیث، کودک از حقوق خاصی برخوردار است که افراد دیگر جامعه از آن برخوردار نیستند. در میان جامعه کودکان، به یک گروه از آنان، به عنوان "کودک یتیم" عنایت بیشتری مبذول شده و در فقه اسلامی برای خود، باب خاصی باز کرده است.

کودک به خاطر ضعف و ناتوانی که دارد به مربی دلسوز و حامی مهربانی نیازمند است که او را در این برش از زمان، همراهی کند و از حقوق مادی و معنوی او دفاع نماید؛ و این حمایت باید تا روزی که کودک، به حد بلوغ و رشد و کمال برسد، ادامه یابد. کودکانی که مربیان دلسوز در کنار آنها قرار دارند، تربیت و پرورش و حفظ آنان، به نحو آسان، صورت می‌پذیرد؛ زیرا عواطف پدری، خود بزرگترین پشتوانه برای حمایت پدر از فرزند است و پدر هرچه هم بخواهد شانه از زیر بار خالی کند، علائق طبیعی، او را به حمایت و دلسوزی وادار می‌نماید. اما کودک یتیم که حامی اصیل و طبیعی خود را از دست می‌دهد، به حمایت بیشتری نیاز دارد و جامعه اسلامی در برابر این عضو که می‌تواند در آینده، عضو سازنده‌ای باشد، مسئولیت خاصی دارد، و باید به آن عنایت خاصی مبذول بدارد، از این جهت قرآن در سوره‌های مختلفی موضوع یتیم را مطرح می‌کند و حقوق و شئون او را بازگو می‌نماید، و مجموعاً لفظ "یتیم" با دیگر مشتقات خود، بیست و سه بار در قرآن وارد شده است.

در سوره "ضحی" خداوند ضمن یادآوری دوران کودکی پیامبر (ص) که به یتیمی گذشته و در پناه لطف او، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرورش یافته از رسول می خواهد تا یتیم را از نظر شخصیتی تحقیر نکند:

"أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ * وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ * وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ * فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ"

ترجمه: مگر نه تو را یتیم یافت پس پناه داد. و تو را سرگشته یافت پس هدایت کرد. و تو را تنگدست یافت و بی نیاز گردانید. و اما [تو نیز به پاس نعمت ما] یتیم را میازار.

با توجه به ساختار نظام خانواده و نقش اساسی پدر در سرپرستی کودکان، مهم ترین کمبود یتیمان، فقدان زمینه های برخورداری آنها از دست یابی به یک شخصیت اجتماعی است به ویژه در جامعه جاهلی که بر نسب و تفاخرهای نسبی استوار بود. خداوند درباره رعایت حقوق مردم به یکی از ضعیف ترین و آسیب پذیرترین گروه های اجتماعی مردم اشاره کرده و به جامعه انسانی هشدار می دهد که یکی از نقطه های کلان آسیب پذیری اجتماعی رها کردن کودکان بی سرپرست است که می تواند یک فاجعه بزرگ اجتماعی را رقم زند.

قرآن حاکی است که خدای مهربان نه تنها یتیم را در آئین اسلام مورد سفارش قرار داده است بلکه او در شرایع پیشین نیز، مورد حمایت قانون الهی بوده و یکی از مواثیق و پیمان هائی که خداوند در اعصار گذشته از بنی اسرائیل گرفته شده است، مسئله نیکی و خوش رفتاری با یتیم می باشد، چنانکه می فرماید:

"وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ" (بقره: ۸۳)

ترجمه: و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید و نماز را به پا دارید و زکات را بدهید آنگاه جز اندکی از شما [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید.

بندهای این پیمان اختصاص به بنی اسرائیل نداشته بلکه از اصول حقیقی دین پاک الهی در همه شرائع مقدسه آسمانی بوده و اصولی است ثابت و تغییر ناپذیر، برای ایجاد جامعه ای متحد.

آیه شریفه فوق بعد از سفارش در مورد کسانی که نسبت های خویشاوندی با فرد دارند، تاکید بر رسیدگی به حال افرادی خارج از دایره خانوادگی و خویشاوندی نیز نموده و احسان به افراد دیگری از خانواده به نحو گسترده تر مطرح می گردد که آنها همنوعان او از افراد بشرند، بدون آنکه منحصر به رابطه خویشاوندی با آنها شده باشد.

رحمت و عنایت عام نسبت به افراد از جمله قواعدی است که دین محکم الهی بر آن بنا نهاده شده است و رعایت مخصوص حال یتیم از جمله بندهای میثاقی است که خداوند از بنی اسرائیل گرفته و همان چیزی است که به همه افراد بشر ابلاغ گردید تا کودک یتیم، تنها و بی سرپرست نماند و در اثر بی توجهی به او، تبدیل به عضوی تهیدست از سرمایه مادی و معنوی و مایه ننگ و عار برای دیگران شود.

در روایتی از امام صادق (ع) چنین آمده است :

قال رسول الله : مر عیسی بن مریم بقبر یعذب صاحبه ثم مر به من قابل فإذا هو لیس یعذب. فقال : یا رب ! مررت بهذا القبر عام اول فکان صاحبه یعذب ثم مررت به العام فإذا هو لیس یعذب ؟ فأوحى الله عز وجل إليه : یا روح الله ! إنه أدرک له ولد صالح فأصلح طریق و آوی یتیما فغفرت له بما عمل إینه . قال : و قال عیسی بن مریم لیحیی بن زکریا : إذا قیل فیک ما فیک ، فأعلم ! أنه ذنب ذکرته فاستغفر الله منه ، و إن قیل فیک ما لیس

فیک ، فاعلم ! آنها حسنه کتبت لک لم تتعب فیها. (جزائری، بی تا: ۴۱۶؛ صدوق، ۱۳۷۰: ۵۱۲؛ مجلسی،

(۲۸۷: ۱۴، ۱۴۰۳)

ترجمه: رسول خدا (ص) فرمودند: روزی عیسی (ع) بر قبری گذر کرد که صاحب آن در عذاب بود، سال بعد نیز گذرش بر همان قبر افتاد و دید که عذاب از او برداشته شده است. عرض کرد: پروردگارا! سال گذشته بر این قبر عبور کردم در حالی که صاحبش در عذاب بود و امسال گذر کردم در حالی که عذاب از او برداشته شده است. خدای عز و جل به او وحی فرمود: ای روح خدا! این شخص فرزند صالحی داشت که در دنیا جاده ای را تعمیر کرد و یتیمی را پناه داد، من به خاطر کار فرزندش او را بخشیدم. رسول خدا فرمودند: عیسی بن مریم به یحیی بن زکریا فرمود: اگر در مورد تو آنچه در توست بگویند بدان که این به منزله گناهی است که آن را به یاد تو آورده اند؛ بنابراین از خداوند درباره آن طلب بخشش کن و اگر در مورد تو، چیزی که در تو نیست بگویند؛ پس بدان که آن پاداشی است که بدون رنج برای تو نوشته شده است.

در شرائع پیشین همانند شریعت اسلام، بعد از توصیه و سفارش و زمینه کلامی، به زمینه عملی پرداخته می شود تا افراد ترغیب شوند در اعمال خیر بر یکدیگر پیشی گیرند، بنابراین خداوند از گناهان بنده ای معذب می گذرد به این دلیل که فرزند صالحش راهی را اصلاح و یتیمی را پناه داد.

خداوند در جایی دیگر چنین می فرماید:

"وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّنَ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا" (کهف: ۸۲)

ترجمه: و اما دیوار از آن دو پسر [بچه] یتیم در آن شهر بود و زیر آن گنجی متعلق به آن دو بود و پدرشان [مردی] نیکوکار بود پس پروردگار تو خواست آن دو [یتیم] به حد رشد برسند و گنجینه خود را که

رحمتی از جانب پروردگارت بود بیرون آورند و این [کارها] را من خودسرانه انجام ندادم این بود تاویل آنچه که نتوانستی بر آن شکیبایی ورزی.

با توجه به این آیه، خداوند با عنایت خویش گنج ذخیره شده آن دو یتیم را برایشان حفظ نمود تا پاداشی بر نیکی های پدر صالح آنها باشد. موارد دیگری نیز مبنی بر تکریم و احسان به یتیم در شرائع پیشین در قرآن وارد شده است که به همین اندازه اکتفا می کنیم.

اما در خصوص فرزندخواندگی نیز باید گفت که فرزندخواندگی نهادی است که به موجب آن رابطه خاصی بین فرزندخوانده و پدرخوانده و مادرخوانده به وجود می آید. این امر در طول تاریخ، سابقه نسبتاً طولانی دارد و در ادوار مختلف با اهداف گوناگون مورد توجه قرار گرفته است. در ایران با وجود سابقه پذیرش این نهاد در دوران حکومت ساسانیان و اعتبار آن در نزد زرتشتیان، با نفوذ اسلام منسوخ گردید ولی به علت فواید فردی و اجتماعی و نیاز مبرم جامعه و استقرار عدالت و حمایت از اطفال بدون سرپرست تحت عنوان "سرپرستی اطفال بدون سرپرست" با آثار حقوقی مشخصی احیا گردیده است.

در بین اقوام و قبایل عرب و شبه جزیره عربستان قبل از ظهور اسلام تبیی و فرزندخواندگی مرسوم بود و فرزندخوانده "دعی" نامیده می شد.^۱

در صدر اسلام با نسخ و حذف نهاد فرزندخواندگی در حقوق اسلام، این نهاد حقوقی جایگاه خود را در کشورهای اسلامی از دست داد. قرآن کریم صراحتاً در آیات ذیل، فرزند خواندگی را در اسلام رد کرده است:

^۱ - ادعیاء جمع مکسر دعی است که در قرآن به معنای پسرخوانندگان به کار رفته است.

"... وَمَا جَعَلَ ادْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ. ادْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا" (احزاب: ۴ و ۵)

ترجمه: و پسرخواندگانتان را پسران [واقعی] شما قرار نداده است این گفتار شما به زبان شماست و [لی] خدا حقیقت را می گوید و او [ست که] به راه راست هدایت می کند. آنان را به [نام] پدرانشان بخوانید که این نزد خدا عادلانه تر است و اگر پدرانشان را نمی شناسید پس برادران دینی و موالی شماست و در آنچه اشتباه مرتکب آن شده‌اید بر شما گناهی نیست ولی در آنچه دل‌هایتان عمده داشته است [مسئولید] و خداست که همواره آمرزنده مهربان است.

در تفسیر المیزان (طباطبائی، ۱۳۶۳، ۱۶، ۴۱۰ و ۴۱۱) ذیل این آیات آمده است:

"ادعیا" جمع دعی، به معنای پسرخوانده است و در جاهلیت، این عمل (دعاء) و (تبنی) در بینشان دایر و معمول بوده است و همچنین در بین امت های متمدنی آن روز، مانند روم و فارس که وقتی کودکی را پسر خود می خواندند، احکام فرزند صلیبی را در حق او اجراء می کردند. یعنی اگر دختر بود ازدواج با او را حرام می دانستند و چون پدرخوانده می مرد، به او نیز مانند سایر فرزندان ارث می دادند و همچنین سایر احکام پدر و فرزندی را درباره او اجراء می کردند و اسلام این عمل را لغو کرد. بنابراین مفاد آیه این است که خدای تعالی آن کسانی را که شما آنها را فرزند خود خوانده‌اید، فرزندان شما قرار نداده تا احکام فرزندان صلیبی در حق آنان نیز جاری می باشد. کلمه "ذکرکم"، اشاره به مساله فرزند خواندگی دارد و معنای "قولکم بافواهمکم" این است که: «اینکه شما فرزند دیگری را به خود نسبت می دهید، سخنی است که با دهان‌های خود می گویند و جز این اثری ندارد.» و این تعبیر کنایه از بی اثر بودن این سخن است و معنای حق بودن قول خدا این است که او از چیزی خبر می دهد که واقع و حقیقت مطلب، مطابق با آن است و

اگر حکم و فرمانی براند ، آثارش برآن مترتب می شود و مصلحت واقعی، مطابق آن است و معنای راهنمایش به راه ، این است که هرکس را هدایت کند، برآن راه حقی وادارش می کند که خیر وسعدت درآن است و در این دو جمله اشاره است به اینکه وقتی سخن شما بیهوده و بی اثر است، و سخن خدا همواره با اثر و مطابق واقع است، پس سخن خود را رها نموده وسخن او را بگیریید و سپس خداوند می فرماید : وقتی می خواهید پسرخوانده خود را معرفی و یا صدا کنید طوری صدا بزنید که مخصوص پدرانشان شوند . یعنی به پدرشان نسبت دهید (وبگوئید ای پسر فلانی ، ونگوئید پسر م) وخواندن شما آنان را به نام پدرانشان، به عدالت نزدیک تر است واگر علم به پدران آنها ندارید وپدرانشان را نمی شناسید (هنگام صدا زدن) به غیر پدرانشان نسبت ندهید، بلکه آنان را برادر خطاب کنید و یا به اعتبار ولایت دینی، ولی خود بخوانید و در ادامه می فرمایند، گناهی بر شما نیست در مواردی که اشتبهاً و یا از روی فراموشی ایشان را به غیر پدرانشان نسبت دهید، و لیکن در مواردی که دلہایتان آگاه است، وعمداً این کار را می کنید، گناهکارید.

آیت مکارم شیرازی نیز در تفسیر نمونه در تفسیر آیه مذکور چنین آورده است:

در عصر جاهلیت معمول بوده که بعضی از کودکان را به عنوان فرزند خود انتخاب می کردند و آن را پسر خود می خواندند و به دنبال این نامگذاری تمام حقوق را که یک پسر از پدر داشت برای او قائل می شدند واز پدرخوانده اش ارث می برد و پدرخوانده نیز وارث او می شد و تحریم زن پدر یا همسر فرزند در مورد آنها حاکم بوده وحتی پیامبر اکرم برای کوبیدن این سنت غلط، همسر پسرخوانده اش زید بن حارثه را بعد از آنکه از (زید) طلاق گرفت به ازدواج خود در آورد تا روشن شود این الفاظ تو خالی نمی تواند واقعیتها را دگرگون سازد، چرا که رابطه پدری وفرزندگی یک رابطه طبیعی است وبا الفاظ وقراردادها وشعارها هرگز حاصل نمی شود . حتی در روایات اسلامی می خوانیم که زید بن حارثه، بعد از آن که پیامبر

او را آزاد کرد به عنوان زیدبن محمد، خوانده می شود تا اینکه قرآن نازل شد و دستور فوق را آورده از آن به بعد پیامبر به او فرمود: تو زیدبن حارثه‌ای، و مردم او را "مولی رسول... می خواندند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۱۷: ۱۹۷)

بطور اجمال می توان گفت که اسلام بر محافظت از یتیمان و رعایت آنها با مؤدت و رحمت و مهربانی تأکید کرده است. و بر منع آزار و اذیت آنها و دید منفی و سنگدلانه به آنها نگرستن اصرار کرده است. چون اگر با دید منفی به آنها نگریسته شود در آینده و سالهای آتی عمرشان از انسانها نفرت پیدا می کنند و از جامعه کینه و نفرت دارند. و اگر با دید بچه بی صاحب به وی نگریسته شود، انحراف و پوچی و دشمنی در آنها ایجاد می شود و احساس صمیمیت و هماهنگی نمی کنند تا به آمال و آلام جامعه بیانندیشند. هدف اسلام پیدایش و به وجود آمدن انسانهای صالح در هر زمان و مکانی است.

به عقیده تمام مسلمین، حقوق انسان بطور عام و حقوق ایتم بطور خاص، مورد احترام و معتبر است و در التزام به آن، عبادت خداوند متعال وجود دارد و نیز از آنجا که یتیم کودک ضعیف و تنها است، اسلام برای حمایت از آن، احکام و حقوق خاصی برای آن قرار داده است؛ لذا شایسته است که توجه خاصی به این موضوع شده و کشورهای اسلامی بخصوص حکام این سرزمینها به آن عنایت خاصی داشته باشند. در همین راستا این پایان نامه از لحاظ ساختاری نیز مشتمل بر سه فصل است:

در فصل اول بعد از مواردی همچون تعریف مسأله، ضرورت و سوالات تحقیق، برای ورود آسان به بحث اصلی، مفهوم لغوی و اصطلاحی یتیم و لقیط، یتیم در اسلام و یتیم در حقوق ایران مورد بررسی قرار می گیرد.

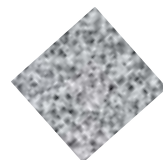
فصل دوم به بررسی حقوق ایتم و نتایج حمایت از آنها، می پردازد.

در فصل سوم به بررسی قیومیت می‌پردازیم که شامل موارد زیر می‌باشد: ماهیت نهاد قیومیت، شرائط

قیومیت، آثار حکم قیومیت و پایان یافتن رابطه قیومیت.

بالاخره در پایان تحقیق - قبل از ذکر منابع - به نتیجه گیری خواهیم پرداخت.

فصل اول :



کلیات

